

# نا امنی در محیط کار

## سند جنایت و محکومیت جمهوری اسلامی است!

اسماعیل مولودی

esmail-m@hotmail.com

در گزارشی که سازمان تامین اجتماعی جمهوری اسلامی ارائه داده، نا امنی در محیط کار را ناشی از بیدقتی کارگران، بیحفاظی وسایل و معیوب بودن وسایل را نام نهاده. به گزارش همین سازمان در سال گذشته چهارده هزار مورد از حوادث بر اثر بیدقتی و بی احتیاطی بوده. همین سازمان در گزارش خود اعلام میدارد که آمار تلفات در محیط کار نسبت به سال ۱۳۸۲ بطور سرسام آوری بالا رفته. طبق این گزارش آمار حوادث در محیط کار در سال ۱۳۸۲ شانزده هزار و سیصد و سی هشت مورد بوده که در سال ۱۳۸۶ به ۲۴ هزار و هفتاد و پنج مورد رسیده است. آمار نسبت به سال ۱۳۸۵ هزار مورد حوادث بیشتر شده است. یعنی اگر این آمارها درست باشد سالانه دهها هزار کارگر قربانی نا امنی در محیط کار خواهند شد. مثلا در سال گذشته ۲۶۰ مورد ناقص شدن کارگر بوده که دیگر قادر به بازگشت به بازار کار نشده اند. البته سرنوشت تعداد زیادی از کارگرانی که در محیط کار ناقص شده اند را خبری نیست چون آمارهای سازمان تامین اجتماعی تنها آن دسته از کارگران را در بر میگیرند که کار رسمی دارند و بیمه شده اند. در صورتیکه همه میدانیم با توجه به وضعیت اقتصادی جمهوری اسلامی و نبود یک سیستم درست آمار دقیقی در مورد حوادث در محیط کار وجود ندارد. بنابراین قطعا تلفات ناشی از کار در محیط کار صدها مرتبه بالاتر و وحشتناک تر از اینهاست.

مثلا کارگرانی که بر اثر بیماری ناشی از کار بیکار میگردند و مجبور میشوند بازار کار را ترک کنند در هیچ آماری ثبت نیستند. یا کارگرانی که در کارخانه ها و محلهای کاری که بیمه ندارد و دچار حوادث ناشی از کار و یا محیط کار میشوند در هیچ جایی از شان اسمی برده نمیشود و حتی در هیچ جای کارخانه شان هم ثبت نیست. کارگران قالی بافی ها، کارگران فصلی کوره های آجر پزی، کارگران کارگاههای کوچک. از همه مهمتر کارگران کودک یا کودکان کار در هیچ جایی در آمارهای سازمان تامین اجتماعی وجود ندارند. در همان حال سازمان تامین اجتماعی در گزارش خود مشخص نمیکند که سرنوشت کارگرانی که مثلا آسیب جزئی دیده اند چه شده؟ آیا به سرکار برگشته اند یا نه؟ مثلا در سال گذشته ۶۰۰ نفر بر اثر حوادث ناشی از کار بین ۳۳ تا ۶۶ در صد آسیب دیده اند که طبق ارزیابی سازمان تامین اجتماعی از کار افتادگی جزئی محسوب شده اند. اما چند در صد و یا چند نفر از آنها به کار برگشته اند و یا چه نوع کار گرفته اند را ذکر نمیکند. یعنی نمیتوان دید سرنوشت کارگران بعد از حوادث به کجا میکشد؟ مثلا سازمان تامین اجتماعی به کارگرانی که صد در صد از کار افتاده اند، باید ۴۵ میلیون تومان پرداخت کند. آیا چگونه و تا چه مدتی این ۴۵ میلیون تومان

میتواند مثلاً خانواده پنج نفره یک کارگر را جواب بدهد. باتوجه به تورم بالای ۴۰ در صدی که در ایران هست. و با اقرار بانک مرکزی جمهوری اسلامی بیش از ۱۴ میلیون انسان در ایران زیر خط فقر زندگی میکنند. سازمان تامین اجتماعی در گزارش خود میگوید بیشترین حوادث کار در تهران رخ میدهد و سال گذشته ۳۱۰۰ حادثه در محیط کار فقط در تهران بوده که از بریدگی و شکستگی بدن کارگران بوده. طبق سازمان تامین اجتماعی بی احتیاطی در محیط کار بیشترین تلفات را به کارگران میرساند. همچنین بیشترین حوادث در تابستان رخ میدهد. یک دلیل وضعیت هوا و گستردگی فعالیت اقتصادی در جامعه دوما بدلیل بالا رفتن سرعت کار و فشاری که سرعت کار بوجود میآورد.

این آمارها گویای وضعیت محیط کار کارگران در ایران است. سالانه هزاران نفر کارگر قربانی آسیبهای محیط کار میشوند و تنها تعداد ناچیزی از آنها کمکهای دولتی بگیرند. آنها کمکی که حداقل زندگی روزانه و خرج خانواده های کارگر آسیب دیده را تامین نمیکند. حوادث ناشی از محیط کار نشانه ای از وجود سلامتی کارگران در محیط کار و جامعه است. اگر در هر کشور به سطح رفاه و آسایش انسانها نگاه کنید متوجه میشوید که انسان در آن جامعه چه جایگاه و حرمتی دارد. در اروپا به یمن مبارزات کارگران و مردم آزاده سالهاست که مسئله تامین محیط کار به کارفرما تحمیل شده. وجود تشکلهای کارگری تا اندازه ای ضامن امنیت کارگر است. کارفرما مسئولیت دارد که محیطی امن برای کارگران بوجود آورد و تلاش نماید حداکثر امنیت شغلی را برای کارگر تامین کند.

جمهوری اسلامی و سازمان تامین اجتماعی اش اعلام میکند که اکثر حوادث در محیط کار ناشی از بی احتیاطی و بیدقتی است. اما اگر به کنه مسئله نگاه کنیم. چقدر دولت و کارفرما بر آموزش کارگران در محیط کار برای حفاظت کارگران سرمایه گذاری میکنند. آیا آموزش صحیح حفاظت از خود در محیط کار وجود دارد؟ آیا کارگران هر دوره باتوجه به بالا رفتن تکنیک آموزش میبینند؟ آیا کارفرما برای امنیت جانی کارگر وسائل ایمنی در محیط کار را بوجود میآورد. آیا خود محیط کار آنقدر مناسب از نظر جا و محل رفت و آمد کارگران در سالنهای کار در نظر گرفته شده است؟ وسائل کار مثل لباس مناسب، دستکش، و انواع واقسام وسایلی که کمک میکند کارگر بدون مشکل کارش را پیشبرد وجود دارد؟

همه اینها بستگی به سیاست و وضعیتی دارد که یک دولت در جامعه باید به آن فکر کند وامکانات لازم را مهیا نماید تا کارگران بتوانند در محیطی امن کار کنند. اما جامعه ای که سر دمدارانش به خرافات و روشهای کثیف مذهبی متصل میشوند تا مردم را سرکوب کنند قطعاً به امنیت محیط کار نمیاندیشند. آمارهای موجود در مورد نا امنی در محیط کار گویای جنایات رژیم در محیط کار است. زیرا قانون یا قوانینی انسانی وجود ندارد که به امنیت کارگر فکر کند. کشوری که افتخارش ترور و اختناق است و هدفش آماده کردن جامعه برای پیاده شدن امام زمان است جایی برای حرمت انسان در افکار و تصمیماتش وجود ندارد. جمهوری اسلامی به مثابه یک حاکمیت سیاه مذهبی سرمایه قطعا جایی از حرف زدن برای آسایش و رفاه انسان وجود ندارد. همین امکاناتی هم که هست از قبل مبارزات خونین کارگران و مردم آزاده بهشان تحمیل شده. در سال گذشته به نوشته آمار

سازمان تامین اجتماعی ۱۱۷ نفر جان خود را در محیط کار و بر اثر صوانح ناشی از کار از دست داده اند. آیا خانواده و بچه های این ۱۱۷ نفر امکانات لازم برای زندگی دارند؟ آیا روشن شده که مسئولین این حوادث چه کسانی هستند؟

۱۰ شهریور ۱۳۸۷

نابود باد جمهوری اسلامی  
زنده باد حکومت کارگری